

## داستانک

## چکمه پسر بچه

مربی جوان کودکستان پس از پایان ساعت کار و برای آماده کردن بچه‌ها جهت سوار شدن به سرویس، پسر بچه ۴ ساله‌ای را روی میز نشاند تا چکمه‌های او را بپوشاند. ولی چکمه‌ها به پای بچه نمی‌رفت و مربی بعد از کلی فشار و خم و راست شدن، بالاخره توانست چکمه‌ها را به او بپوشاند. خستگی ناشی از این تقلا هنوز بر طرف نشده بود که پسر بچه رو به مربی کرد و گفت: «چکمه‌ها رو لنگه به لنگه پام کردی!» مربی به ناچار و با کلی مصیبت چکمه‌ها را از پای پسر بچه بیرون کشیده و این بار با دقت بسیار و همان زحمت پیشین آن‌ها را دقیق و درست پای پسر بچه کرد. اما پس از تمام کار پسر بچه نگاهی به چکمه‌ها انداخت و گفت: «این چکمه‌های من نیست!» مربی کودکستان با یک بازدم طولانی و حرکتی عصبی و ناشی از خستگی سری تکان داده و دوباره چکمه‌ها را از پای پسر بچه با هزار زحمت بیرون کشید. مربی پس از نگاهی سرزنش بار به پسرک از او پرسید: «خب حالا چکمه‌ها کدومه؟» پسر بچه با چشم‌های معصوم خود به همان چکمه‌ها اشاره کرده و گفت: «همین هاست. این‌ها چکمه‌های برادرمه، ولی ما مانم گفت اشکالی نداره می‌تونم پام کنم!» مربی مهدکودک در حالی که چیزی تا بیهوش شدن فاصله نداشت تمام سعی خود را کرد تا خونسردی اش را از دست ندهد. او بار دیگر همان مراحل قبلی را برای پوشاندن چکمه‌ها به پای پسر بچه تکرار کرد و پس از پایان کار و یک نفس راحت از پسر بچه پرسید: «خب حالا دستکش‌ها کجان؟ توی جیبته که نیستن.» پسر بچه معصومانه جواب داد: «توی چکمه‌ها م بودن دیگه!»

## درس مادر بزرگ

پسر بچه کوچکی با مادر بزرگ حرف می‌زد و توضیح می‌داد که چگونه همه چیز ایراد دارد، مدرسه، خانواده، دوستان، پدر، مادر، خواهر، دکتر خانوادگی... مادر بزرگ که مشغول پختن کیک بود، به همه حرف‌های نوه کوچک خود با دقت گوش کرد و سپس گفت: «کیک دوست داری؟» پسر کوچولو با اشتیاق پاسخ داد: «البته که دوست دارم.» مادر بزرگ پرسید: «روغن چطور؟» پسرک: «نه!» مادر بزرگ: «زرده تخم مرغ؟» پسرک: «نه مادر بزرگ!» مادر بزرگ: «آرد چی؟ از آرد خوشتم می‌آید؟ جوش شیرین چطور؟» پسرک: «نه مادر بزرگ، حالم از همه‌شان به هم می‌خورد.» مادر بزرگ با مهربانی پسر بچه را روی پای خود نشاند و گفت: «بله، حق با توست. همه این چیزها به تنهایی بد به نظرمی‌رسند، اما وقتی به درستی با هم مخلوط شوند، یک کیک خوشمزه درست می‌شود. خداوند هم به همین ترتیب عمل می‌کند. خیلی اوقات تعجب می‌کنیم که چرا او اجازه می‌دهد ما چنین دوران سختی را بگذرانیم، اما فقط خداست که می‌داند وقتی همه این سختی‌ها به درستی در کنار هم قرار گیرند، نتیجه همیشه خوب است. ما تنها باید به او اعتماد کنیم، در نهایت همه این پیشامدها با هم به یک نتیجه فوق‌العاده می‌رسند.»

## قیمت زندگی

کنار رودخانه‌ای خروشان بچه‌ها مشغول بازی بودند. حین بازی یکی از پسر بچه‌ها ناگهان پایش لغزید و به درون رودخانه افتاد. مرد جوانی که از آن حوالی می‌گذشت با دیدن این صحنه داخل آب پرید تا جان پسر بچه در حال غرق شدن را نجات دهد. وضعیت به قدری خطرناک بود که همه فکری می‌کردند هر دو ی صخره‌ها تکه تکه اگر غرق نشوند حتما در بین صخره‌ها تکه تکه خواهند شد! ولی عاقبت آن مرد با تلاش فراوان پسر بچه را نجات داد. مرد جوان خسته و زخمی پسرک را به نزدیکترین صخره رساند و بعد از او خود نیز از آن بالا رفت. بعد از مدتی که هر دو آرام شدند و نفس‌شان برگشت، پسر بچه رو به مرد کرد و گفت: «از این که به خاطر نجات من جان خود را به خطر انداختی متشکرم.» مرد جوان در جواب او گفت: «احتیاجی به تشکر نیست. فقط سعی کن همیشه به نحوی زندگی کنی که زندگی‌ات ارزش نجات دادن را داشته باشد.»

## تقریم تاریخ

## اختراع تلگراف توسط استاد هنر دانشگاه

۱۸۳ سال پیش، برابر با ششم ژانویه ۱۸۳۸ میلادی، ساموئل فاینلی بریس مورس، استاد هنر و نقاشی دانشگاه نیویورک، برای نخستین بار دستگاه کامل شده تلگراف را که می‌توانست هر دقیقه ۱۰ کلمه مخابره کند به معرض نمایش گذاشت. مخابره کلمات با این دستگاه بر پایه الکترومغناطیس و قطع و وصل جریان برق بود. مورس قبلاً برای هر کلمه یک واژه نامه تهیه دیده بود که این الفبا بعدها به «کد مورس» معروف شدند. ظرف ۱۰ سال اختراع او مرزهای آمریکا را درنوردید و در سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفت.

## نویسنده لبنانی آمریکایی و خالق «پیامبر»

۱۳۸ سال پیش، برابر با ششم ژانویه ۱۸۸۳ میلادی، جبران خلیل جبران، نویسنده سرشناس لبنانی-آمریکایی، در خانواده‌ای مسیحی مارونی در ناحیه کوهستانی بشری لبنان دیده به جهان گشود. «پیامبر» مشهورترین کتاب خلیل جبران در قالب مجموعه‌ای از نوشته‌ها، برگرفته از ۲۶ شعر منشور، نخستین بار سال ۱۹۲۳ میلادی در آمریکا منتشر شد. «پیامبر» حاوی اندرزهایی از زبان مردی خردمند به نام «مصطفی» است. هم‌اکنون کتاب «پیامبر» به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده و یکی از پایه‌های ثابت فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های دنیا است. خلیل جبران دهم آوریل ۱۹۳۱ به دلیل سپروزکبندی درگذشت.

## پدر ژنتیک نوین و قوانین حاکم بر وراثت

۱۳۷ سال پیش، برابر با ششم ژانویه ۱۸۸۴ میلادی، یوهان گرگور مندل، کشیش اتریشی در ۶۱ سالگی درگذشت. مندل در سال ۱۸۶۵ توانست قوانین حاکم بر انتقال صفات وراثتی را که حاصل آزمایش‌هایش روی گیاه نخود فرنگی بود، ثبت کند. ولی به کشف او اهمیت چندانی داده نشد. به نظر می‌رسید پرونده این دانش رو به بسته شدن است که در سال ۱۹۰۰ میلادی کشف مجدد این قوانین توسط دانشمندان دیگر، باعث شد این نظریات مورد توجه قرار گرفته و نهایتاً مندل به عنوان پدر علم ژنتیک شناخته شود.

## رئیس جمهوری برنده جایزه صلح نوبل

۱۰۲ سال پیش، برابر با ششم ژانویه ۱۹۱۹ میلادی، تئودور روزولت، معروف به تدی روزولت، بیست و ششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از حزب جمهوری خواه در ۶۲ سالگی درگذشت. دستاوردهای روزولت در تاریخ سیاست خارجی آمریکا مانند حمایت از استقلال طلبان پاناما و کمک به جدایی این کشور از کلمبیا و همچنین میانجی‌گری در جنگ میان روسیه و ژاپن و پایان دادن به این جنگ که جایزه صلح نوبل را برایش به ارمغان آورد همواره مورد توجه مردم این کشور قرار داشته است. جمله معروف «چماق بزرگی بردار ولی به نرمی سخن بگو» از تندی روزولت است.

## معما

## «دکترین آیزنهاور»، آخرین میخ بر تابوت «دکترین مونرو»

رهبری می‌کرد تازه متوجه شده بود که نباید همه تمرکز خود را معطوف به اروپا و آمریکای جنوبی کرده و از دیگر نقاط دنیا غافل شود. «پیمان سنتو» را شاید بتوان مهم‌ترین مولود دکترین آیزنهاور در خاورمیانه به شمار آورد. واشنگتن با هدف کامل کردن محاصره کمونیسم، مقدمات تشکیل این پیمان نظامی را با همکاری انگلستان فراهم آورد و ایران، عراق، ترکیه و پاکستان را با وجود همه اختلافات سیاسی و تاریخی شان در این پیمان کنار هم جای داد. ارایه تسلیحات نظامی پیشرفته به متحدان واشنگتن در منطقه از جمله حکومت پهلوی، نمای دیگری از دکترین آیزنهاور بود که تا پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷ به شکلی جدی دنبال شد و ایران به عنوان قدرت نظامی برتر منطقه نقشی مهم در پیشبرد دکترین فوق در منطقه حساس خلیج فارس برعهده گرفت.

راحت‌تر از قبل چنین مداخلاتی را سازماندهی کند. دکترین ترومن و به دنبال آن دکترین آیزنهاور را باید درست نقطه مقابل دکترین مونرو (دکترین جیمز مونرو، پنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده که بر عدم دخالت آمریکا در مناقشات جهانی تأکید داشت) قلمداد کرد. دکترین ترومن بیش از هر چیز کوتاه کردن دست شوروی از اروپا را هدف گرفته بود، اما دکترین آیزنهاور نگاهی فراجا داشت و ساخت پایگاه‌های نظامی، ارایه کمک‌های تسلیحاتی و دخالت مستقیم ارتش آمریکا به معرکه را مدنظر داشت. ملی اعلام شدن کانال سوئز در دهه ۵۰ میلادی و حمله ارتش‌های فرانسه، انگلستان و اسرائیل به مصر که اولتیماتوم اتمی اتحاد جماهیر شوروی را در پی داشت، آمریکا را متوجه قدرت گرفتن نیروهای نزدیک به مسکو در خاورمیانه کرد. واشنگتن که مبارزه‌ای همه جانبه با کمونیست‌ها را در اروپا

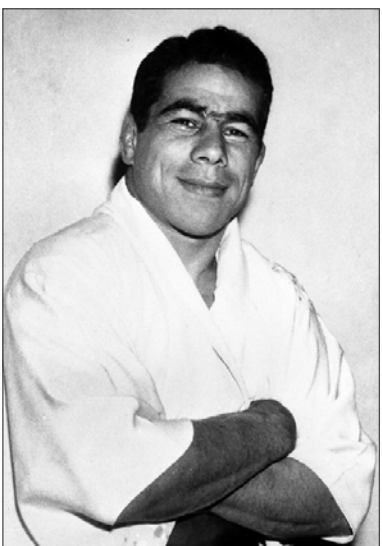
۶۴ سال پیش، برابر با ششم ژانویه ۱۹۵۷ میلادی، سی و چهارمین رئیس‌جمهور ایالات متحده، ژنرال دوایت دیوید آیزنهاور، معروف به «آیک»، سیاست نوین واشنگتن مبنی بر حمایت نظامی از دوستان و متحدان آمریکا در اقصی نقاط دنیا را اعلام کرد. این سیاست جدید که تحت عنوان «دکترین آیزنهاور» عرضه شد، از سوی کنگره نیز مورد تأیید قرار گرفت. این دکترین قبلاً توسط هری ترومن برای متحدین اروپایی واشنگتن اعمال شده بود، اما در دکترین جدید بیش از هر چیز به آسیا خصوصاً خاورمیانه و شرق دور توجه شده بود. البته آیزنهاور پیش از اعلام دکترین جدید خود، نسخه آزمایشی آن را در جریان کودتای ۲۸ مرداد و براندازی دولت دکتر محمد مصدق به مورد اجرا گذاشته بود، اما حالا با رسمی شدن این سیاست که تأیید کنگره را نیز پشت سر خود داشت می‌توانست



## درس تاریخ

## مرگ جهان پهلوان

۵۳ سال پیش، برابر با هفدهم دی ۱۳۴۶ خورشیدی، غلامرضا تختی، در یکی از اتاق‌های هتل آتلانتیک تهران درگذشت. مرگ این کشتی‌گیر برجسته در ۳۷ سالگی، بعد از گذشت نیم قرن هنوز یکی از رازهای سربه مهر تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. خودکشی و قتل به دست عمال رژیم پهلوی دو احتمالی است که در طول این سال‌ها بارها مطرح شده و هر کدام به نحوی مورد شک و شبهه قرار گرفته‌اند. تختی با یک مدال طلا و دو مدال نقره المپیک، دو طلا و دو نقره قهرمانی جهان و یک طلای بازی‌های آسیایی در فهرست برترین‌های قرن فیلا در جایگاه سیزدهم قرار دارد. او یکی از سه کشتی‌گیر ایرانی در کنار امامعلی حبیبی و عبدالله موحد است که تصویرش در تالار افتخارات فیلا نصب شده است. غلامرضا تختی را در این بابویه، داخل مقبره خانوادگی حسن شمشیری از یاران دکتر محمد مصدق به خاک سپردند.



## شرح بی‌نهایت

## عاشق ممتاز

نرخ بالا کن متاع غمزه غماز را/ شیوه را بشناس قیمت، قدر مشکن ناز را پیش تو من کم ز اغیارم وگرنه فرق هست/ مردم بی‌امتیاز و عاشق ممتاز را صید بندانت مبادا طعن نادانی زنده/ بهر صید پشه، بند از پای بگشا باز را انگبین دام مگس کردن ز شیرین پیشه‌ای است/ برگزیده دام، مرغ آسمان پرواز را حیفا از بازو ناپاید، دست بر سیمرغ بند/ تیر بر گنجشگ مشکن چشم تیرانداز را برده ویران چه تازی، کشوری تسخیر کن/ شوکت شاهی میرجسنی به این اعزاز را مهر بر لب باش و حشی این چه دل پردازی است/ بیش از این رخصت مده طبع سخن پرداز را و حشی با فقی

## پاکبازان جهان

آن سیه چهره که خلقی نگرانند او را/ خورویان جهان بنده به جانند او را دلبرانی که به خوبی نشانند امروز/ جای آن است که بر دیده نشانند او را دانش پاک ز عار است و دلش پاک ز عیب/ پاکبازان جهان بنده از آنند او را گر در افتد به کفم دامن وصلش روزی/ از کف من به جهانی نجهانند او را نیست بی‌مصلحتی از بر او دوری من/ بزیمیدم ز برش، تا نمانند او را قیمت قامت او را من ببندل دانم/ ورنه این یک دوسه افسرده چه دانند او را ای که گشت اوحدی از پهر تو بدنام جهان/ بنده توست، نام که خوانند او را اوحدی مراغه‌ای